



Questionnaire1

پرسشنامه وان - مرجع پرسشنامه ایران

پیوست یک- پرسشنامه ها

(پرسشنامه عدم استفاده اجباری از اطلاعات (از دیدگاه شناختی)، پرسشنامه اجتناب شناختی، پرسشنامه عدم تحمل بلا تکلیفی و پرسشنامه جهت گیری منفی به مشکل)

به نام خدا

پرسشنامه‌ای که در اختیار دارید مربوط به پژوهشی است که در قالب رساله دکتری با هدف بررسی رابطه عوامل شناختی با «عدم استفاده اجباری و ناخواسته از انواع اطلاعات علمی و غیر علمی» انجام می‌پذیرد. استفاده نکردن از اطلاعات ممکن است ارادی و یا به دلیل اعمال اجبار از طریق شرایط جسمانی، موانع اجتماعی-محیطی و کنترل‌های استبدادی و یا عوامل شناختی غیرقابل ردیابی (غیرقابل شناسایی) مانند ادراکات، یادگیری‌ها و استدلال‌های غیرقابل ردیابی باشد. در این پژوهش عدم استفاده اجباری از انواع اطلاعات که عوامل شناختی در آن نقش دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مشارکت شما در این پژوهش، به هدایت پژوهشگر در دستیابی به اهداف پژوهش کمک شایانی خواهد کرد، بنابراین زمانی که صرف پاسخ دادن به پرسش‌ها خواهید نمود، بسیار ارزشمند و موجب قدردانی است. مشارکت شما شامل پاسخ به چهار پرسشنامه نسبتاً کوتاه است که عبارتند از: پرسشنامه عدم استفاده اجباری شناختی از اطلاعات، پرسشنامه اجتناب شناختی، مقیاس عدم تحمل بلا تکلیفی و پرسشنامه جهت گیری منفی به مشکل، که به طور کلی حدود ۲۰ دقیقه از زمان با ارزش شما را خواهد گرفت. بدیهی است مشارکت شما در این پژوهش و پاسخ‌هایتان کاملاً محرمانه است. در صورتی که نظر خاصی در رابطه با این پژوهش دارید خواهشمند است آن را با شماره (۰۹۱۵۳۶۱۲۴۳۵) و یا آدرس نگارنده (kiani.mreza@gmail.com) در میان بگذارید. با تشکر از وقتی که صرف می‌کنید.

محمدرضا کیانی

دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی

دانشگاه فردوسی مشهد

مشخصات فردی:

۱. رشته تحصیلی: زن مرد
۲. مقطع تحصیلی: ارشد دکتری
۳. جنسیت: زن مرد

CAO

افراد به برخی از افکار خاص، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. لطفاً با استفاده از مقیاس مقابل هر گویه، تعیین کنید هر مورد، تا چه حد بیانگر روشی است که شما به طور معمول به این افکار خاص پاسخ می‌دهید. لطفاً دور عدد مناسب (۱ تا ۵) در مقابل هر گویه تخط بکشید.

رتبه	گویه‌ها	معمولاً هرگز	معمولاً کمی	معمولاً ناخوب	معمولاً خیلی	معمولاً همیشه
۱	مسایلی وجود دارد که ترجیح می‌دهم به آن‌ها فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	از برخی موقعیت‌ها اجتناب می‌کنم، چون باعث می‌شوند به مسایلی فکر کنم که دوست ندارم.	۱	۲	۳	۴	۵
۳	من به جای تصاویر ذهنی تهدیدآمیز، در ذهنم با خودم حرف می‌زنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۴	در مورد مسائل مربوط به خودم به عنوان اینکه برای دیگری اتفاق افتاده، فکر می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۵	افکاری دارم که سعی می‌کنم به آن‌ها فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۶	برای اینکه زیاد ترسم، سعی می‌کنم به جنبه‌های ناراحت کننده برخی از موقعیت‌ها فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۷	گاهی اوقات از لثیانی اجتناب می‌کنم که باعث می‌شوند افکار آشفته‌ساز به ذهنم خطور کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۸	من حواس خودم را پرت می‌کنم تا در مورد موضوعات نگران کننده مشخصی فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۹	از رویارویی با افرادی که باعث فکر کردن من در مورد چیزهایی که من نمی‌خواهم در موردشان فکر کنم، می‌شوند، اجتناب می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	اغلب دست به کارهایی می‌زنم که حواس خودم را از افکار خودم پرت کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	من به جزئیات بیش از حد با افتاده فکر می‌کنم، تا به موضوعات مهمی که من را نگران می‌کنند، فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲	گاهی اوقات خودم را به کاری مشغول می‌کنم تا به چیزهای خاصی فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳	برای اینکه به برخی از موضوع‌های ناراحت کننده فکر نکنم، خودم را مجبور می‌کنم به چیزهای دیگری فکر کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	مسایلی وجود دارد که سعی می‌کنم به آن‌ها فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵	برای اجتناب از تصویرسازی ذهنی سناریوهای ترسناک در ذهنم (مثل نمایش فیلم در ذهن)، با خودم حرف می‌زنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	گاهی اوقات از مکان‌هایی که باعث فکر کردن من در مورد چیزهایی می‌شوند که ترجیح می‌دهم درباره آن‌ها فکر نکنم، اجتناب می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۷	به وقایع گذشته فکر می‌کنم تا به وقایع آینده که باعث احساس ناامنی در من می‌شوند، فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۸	از دست زدن به برخی کارها اجتناب می‌کنم چون مرا به یاد چیزهایی می‌اندازند که نمی‌خواهم درباره آن فکر کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۹	وقتی تصاویر ذهنی ناراحت کننده به ذهنم وارد می‌شود، به خودم چیزهایی می‌گویم تا جایگزین این تصاویر در ذهنم شوند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	به خیلی مسایل جزئی فکر می‌کنم تا به مسایل مهم‌تر فکر نکنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۱	من گاهی اوقات خودم را سرگرم می‌کنم تا از ورود برخی افکار در ذهنم جلوگیری کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۲	از موقعیت‌هایی که باید با مردم سروکار داشته باشم که باعث فکر کردن من در مورد چیزهای ناخوشایند می‌شوند، اجتناب می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۳	به جای شکل دادن به تصاویر ذهنی از وقایع ناراحت کننده در ذهنم، سعی می‌کنم وقایع را با استفاده از گفتگوی درونی با خودم توصیف کنم (چیزهایی که من به خودم در ذهنم می‌گویم).	۱	۲	۳	۴	۵
۲۴	تصاویر ذهنی موقعیت‌های ناراحت کننده را، با تلاش برای توصیف آن موقعیت با استفاده از گفتگوی درونی، از ذهنم بیرون می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۵	به نگرانی‌های دیگران فکر می‌کنم به جای فکر در مورد نگرانی‌های خودم.	۱	۲	۳	۴	۵